



بررسی رابطه تربیت اجتماعی بر مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان ابتدایی

رئیس حسن رئیس سعدی^۱، فروغ نقیبی^۲

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی - r_saadiedu@yahoo.com

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی

چکیده

یکی از مهمترین اهداف تعلیم و تربیت، اجتماعی ساختن دانش آموزان یعنی آماده کردن آنان برای شرکت فعال و سازنده در زندگی اجتماعی، کسب آگاهی نسبت به حقوق اجتماعی خود و بهره برداری صحیح از آن و احترام به حقوق دیگران و همکاری با سایر افراد جامعه است، یکی از شیوه های گرایش دانش آموزان به فعالیت ها و تصمیم گیری های اجتماعی، مشارکت آنان در گروه ها و شوراهای متشکل از همسالان در مدارس است. در این راستا، مقاله ی حاضر با بهره گیری از رویکرد کیفی (مصاحبه)، به بررسی نقش مشارکتی دانش آموزان در اداره امور مدرسه از طریق شورای دانش آموزی با تاکید بر رویکرد مدیریت مبتنی بر مدرسه است نمونه ی معرف، از مدارس غیرانتفاعی، شاهد دولتی دخترانه و پسرانه انتخاب گردیدند. برای تجزیه و تحلیل داده ها، ابتدا پاسخ های داده شده به هر سوال جداگانه نوشته شدند. سپس، در زمینه های ظاهر شده، هردسته از پاسخ ها شناسایی گشتند و پس از جمع بندی، نتایج نشان داد که اجرای معقول طرح شورای دانش آموزی در شهر بابل سر نیازمند توجه به نکاتی است که در نتایج تحقیق عنوان گردیده است.

کلیدواژه ها: شورای دانش آموزی، مشارکت، مدیریت مبتنی بر مدرسه، مسئولیت پذیری اجتماعی

مقدمه

در هر اجتماع علمی سازمان هایی وجود دارند که برای تقویت آن اجتماع علمی نقش های متعددی را ایفا می کنند. تربیت دانش آموزان ابتدایی که در آغاز ورود به اجتماع بزرگ انسانها هستند از حساسیت ویژه ای برخوردار است. در این دوره که بعنوان اساس دوره های بالاتر آموزشی است، دانش آموزان تجربیاتی کسب می کنند که در صورتیکه مرتبط با هم و در ارتباط با مسایل شخصی و اجتماعی باشد، برانگیزاننده، سودمند و موثر خواهد بود و یادگیری مادام العمر را به همراه خواهد داشت. یکی از فعالیت هایی که به اهداف این دوره یاری می رساند، فعالیت های گروهی است. با عنایت به رویکردهای جدید آموزش و پرورش نظیر مدیریت مبتنی بر مشارکت و مناسبات انسانی، تمرکز زدایی و مدرسه محوری در نظام آموزش و پرورش، جلب مشارکت عملی و حضور فعال دانش آموزان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری و امور اجرایی مدرسه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۷ اصل شورای دانش آموزی آمده است که :

«در مدارس به عنوان آموزش عملی و برای پرورش روحیه همکاری و تعاون و همفکری و سعه صدر، تشکیل شورای دانش آموزی مورد تاکید قرار گیرد، این شوراها عملاً در تنظیم جریان امور مدرسه و هدایت پاره ای از فعالیت های خاص دانش آموزان علاوه بر نقش آموزشی می توانند جنبه اجرایی نیز داشته باشند» (فرهمندیان و همکاران، ۱۳۸۳).

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی - r_saadiedu@yahoo.com - 09171622369

^۲ دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی - ۰۹۱۶۴۳۴۶۷۴۶



بدیهی است اگر به دانش آموزان فرصت اندیشیدن، ابراز وجود و مداخله موثر در امور مربوط به خودشان داده شود، موجب عزت نفس و ارتقاء شخصیت آنان و مسئولیت پذیری بیشتر و فعالیت خود انگیزه و مسئولانه آنان خواهد شد. در این راستا تشکیل شورای دانش آموزی در مدارس ابتدایی و نگرش مثبت و برخورد مسئولانه دست اندر کاران تعلیم و تربیت و کارشناسان نسبت به اجرای این طرح، زمینه درونی ساختن فرهنگ مشارکت و مشارکت پذیری در دانش آموزان و تحولی کار ساز در نظام اجرایی و تصمیم سازی آموزش و پرورش فراهم می سازد. کسب آمادگی و آگاهی های لازم برای همزیستی، هم اندیشی، پذیرش تنوع دیدگاه ها و تحمل آراء و عقاید دیگران، مشارکت در امور یادگیری مهارت های زندگی از جمله اهدافی هستند که از مجرای شوراهای دانش آموزی تحقق می پذیرند. لازمه دستیابی به اهداف مورد نظر برخورداری از مدیریت مشارکت جویانه در سطوح مختلف آموزش و پرورش، اتخاذ سیاست های مدیرانه در سازماندهی و نظارت مستمر بر برنامه ها و اهتمام عملی در تقویت، توسعه و گسترش شوراهای دانش آموزی مدارس می باشد.

اهداف پژوهش

- ۱- بررسی نقش عوامل فردی تاثیر گذار بر مشارکت دانش آموزان در اداره امور مدرسه از طریق شورای دانش آموزی (انگیزه، علائق و وضعیت تحصیلی دانش آموزان).
- ۲- بررسی نقش زمینه خانوادگی دانش آموزان در مشارکت آنها (سطح سواد والدین، سطح درآمد و پیگیری وضعیت تحصیلی فرزندان).
- ۳- مقایسه عوامل فردی و زمینه خانوادگی تاثیرگذار بر مشارکت دانش آموزان در اداره امور مدرسه در بین مدارس عادی (دولتی)، غیرانتفاعی و شاهد دختران و پسران دوره ابتدایی.

متدولوژی تحقیق

این تحقیق به شیوه ی کیفی انجام گردیده است. در این دسته از تحقیقات، ضمن تنظیم مصاحبه ی ساختارمند، پژوهشگر با ذهنیت خود به تحقیق شکل می دهد و سعی در درک افراد مورد تحقیق دارد و به دنیای آنها وارد می شود و در بسیاری موارد خود را به جای آنها قرار می دهد (مارشال و راس من، ۱۳۷۷). با انتخاب روش تحقیق کیفی در این مطالعه، فرصت مشاهده جزئیات و مستند سازی پدیده مورد مطالعه ایجاد شد. مزیت داده های جمع آوری شده از این طریق نسبت به نظرخواهی های انجام شده در قالب پرسشنامه های مقیاسی، بر این است که امکان آشنایی با فرایند های رسیدن به یک پاسخ را برای پژوهشگر ایجاد می کند (همان منبع). لذا بینش و بصیرت پژوهشگر در این دسته از تحقیقات منجر به شرح و بسط سیستم پیچیده ی اجتماعی می گردد.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

نمونه معرف از مدارس غیرانتفاعی، شاهد و دولتی دخترانه و پسرانه شهر بابلسرانتخاب شد. روند انتخاب به این شکل بود که در جریان جلسه انجمن اولیاء و مربیان، با مدیران مدارس مذکور صحبت گردید و از آنها خواسته شد که در جریان برگزاری انتخابات شوراهای دانش آموزی در فرایند تحقیق مشارکت نمایند. دعوت از مدیران برای مشارکت در مطالعه با استقبال گرم



آنها مواجه گشت. لذا با مدیران مدارس نمونه و دو گروه از دانش آموزان (داوطلبان عضویت در شورای دانش آموزی و افراد شرکت کننده در انتخابات)، مصاحبه های ساختاری هدفمندی انجام شد و یک هفته بعد از انتخابات نیز مصاحبه هایی با منتخبین شوراهای دانش آموزی مدارس مذکور صورت گرفت. در نهایت مدیریت از ۶ مدرسه ابتدایی دخترانه و پسرانه غیرانتفاعی، شاهد و دولتی، تعداد ۴۸ نفر از اعضای عضو و غیر عضو انتخاب گردیدند. از این ۴۸ نفر، ۳۶ نفر، اعضای اصلی شورا بودند (منتخبین شورای دانش آموزی) و ۱۲ نفر از داوطلبان عضویت در شورای دانش آموزی مورد مصاحبه قرار گرفتند و پاسخ های تامل برانگیز و مستدل بررسی و تجزیه و تحلیل گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

برای تجزیه و تحلیل داده ها، ابتدا پاسخ های داده شده به هر سوال جداگانه نوشته شدند، سپس طبق توصیه استراوس و کوربین، زمینه های ظاهر شده در هر دسته از پاسخ ها، شناسایی گشتند، آنگاه با جمع بندی آن زمینه ها، موارد زیر مشخص شدند:

(الف) نقش عوامل فردی تاثیرگذار بر مشارکت دانش آموزان در اداره امور مدرسه از طریق شورای دانش آموزی (انگیزه، علائق و وضعیت تحصیلی دانش آموزان).

(ب) نقش زمینه خانوادگی دانش آموزان در مشارکت آنها در اداره امور مدرسه (سطح سواد والدین، سطح درآمد و پیگیری وضعیت تحصیلی فرزندان).

(ج) مقایسه عوامل فردی و زمینه خانوادگی تاثیرگذار بر مشارکت دانش آموزان در اداره امور مدرسه در بین مدارس عادی (دولتی)، غیرانتفاعی و شاهد دختران و پسران دوره ابتدایی.

رویکرد مدیریت مبتنی بر مدرسه

یکی از چالش های موجود، مدیریت و برنامه ریزی متمرکز سیستم آموزشی است. منظور از نظام آموزشی متمرکز برنامه های آموزشی یی است که برای تمام مدارس به خصوص در سطح ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به صورت متحدالشکل و یکسان تهیه و تنظیم می شود و برای اجرا به مدارس ابلاغ می گردد. در این نظام آموزشی بیشتر تصمیمات مهم درباره ی برنامه و دروس مختلف، کتاب های درسی، محتوای آموزشی و حتی خطی مشی اجرایی و مقررات اداری و آموزشی در سطح آموزش و پرورش و موسسات وابسته به آن اتخاذ می گردند. این در حالی است که از مولفه های بسیار مهم مدارس دموکراتیک، مشارکت فعالانه ی همه ی اعضاء و تصمیم گیری جمعی است که پیش نیاز آن وجود یک نظام آموزشی غیرمتمرکز است. در واقع نظام آموزشی غیرمتمرکز اهدافی از قبیل، مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش، تصمیم گیری برای حل مسائل در محل، تشویق مردم به مشارکت در فعالیت های توسعه آموزش و پرورش و کمک به رشد اجتماعی افراد، دنبال می کند (نیکنامی، ۱۳۸۳).

دارس در فرایند پیچیده ی توسعه، به عنوان مؤسساتی که در نظام مدیریت از عمیق ترین تاثیر و نفوذ برخوردارند، روز به روز نقش حساس تری را ایفا می کنند. تفاوت های بیشتر بین فقیر و غنی، محروم و برخوردار، خطرات و چالش ها، حرکت به سوی تمرکز زدایی و تامین حقوق بشر، محیطی را ایجاد کرده اند که راه حل های نوآورانه ی محلی بیشتری را برای توانمندسازی مدارس ایجاب می کند.



انتقال کانون تمرکز، اصلاحات از سطوح بالای نظام آموزشی به مدرسه مزایای متعددی نیز در بر دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- انتقال محل تصمیم گیری درباره ی مدرسه به جایی که تصمیمات واقعاً منشاء تفاوتی هستند.
- تشویق نوع آوری های محلی از طریق ایجاد حس کارآیی و تعهدات حرفه ای در معلمان.
- افزایش تناسب و انعطاف پذیری آموزش و پرورش با شرایط و نیازهای محلی.
- تقویت احساس مسئولیت و پاسخگویی در برابر کیفیت آموزش ارائه شده.
- برانگیختن مشارکت و ایجاد حس مالکیت نسبت به مدرسه.

مسئولیت پذیری اجتماعی

مسئولیت پذیری اجتماعی یکی از مهمترین و هدف مندترین بخش تربیت آدمی است که اثرات آن را به گونه ای همه جانبه می توان در زندگی انسانها و در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی، مذهبی، هنر و اخلاقی آنان مشاهده کرد. بنابراین آموزش مسئولیت پذیری اجتماعی برآگاهی شهروندان (بخصوص دانش آموزان) از مشکلات محیط اطراف خود می افزاید. این امر باعث می شود تا کودکان از ابتدا با تمرین فعالیت های مدنی در مدرسه، برای زندگی جمعی در جامعه مدنی و ایفای نقش فعال تر شهروندی و مشارکت همه جانبه در سرنوشت خود، مدرسه و جامعه آمادگی لازم را کسب کنند.

تعاریف متعددی از مسئولیت پذیری اجتماعی ارائه شده است از جمله، وظیفه ای که هر فرد در تعامل اجتماعی با گروه یا جامعه باید انجام دهد (شعاری نژاد، ۱۳۶۴). و یا هماهنگی با قوانین اجتماعی و برآورد ساختن انتظاراتی که جامعه از فرد دارد (فورد، ۱۹۸۵، به نقل از فتحی آذر، ۱۳۷۳). و یا نوعی احساس عملی در بکارگیری تواناییها و انجام کوششها در تطابق و سازگاری با مردم که عدم پذیرش آن، قانون شکنی و نپذیرفتن مسئولیتهای اجتماعی است (گلن، ۱۹۸۸).

مسئولیت های مدنی

زندگی مدنی صحنه ای از تبادل و تعامل بوده، شرط بقاء و تداوم زندگی مدنی، همکاری، مشارکت و سازگاری مردم یک جامعه با یکدیگر است. از جمله مسئولیتهای اساسی قابل توجه در برنامه های درسی رشد دهنده مسئولیتهای اجتماعی، مسئولیتهای مدنی هستند که باید در خلال آنها، مخاطبان برنامه های درسی نسبت به اتکاء متقابل انسانها به یکدیگر و ضرورت اجتناب نا پذیر زندگی مشترک گروهی، اطلاعات لازم را به دست آورند و درک نمایند که امروزه زندگی مدنی مستلزم رعایت حقوق سایرین، کمک به نیازمندان و تحمل سایرین است، چرا که هیچ کس نمی تواند جدا از سایرین زندگی کند، پس باید یاد بگیرد با سایرین و همراه آنان در محیطهای جمعی با رعایت قانونمندیهای اجتماعی به حیات خویش ادامه دهد. لازمه این امر درک حقوق شخصی و اجتماعی افراد جامعه است (ماینز و همکاران، ۱۹۹۰).

وضعیت تحصیلی دانش آموزان

بررسی وضعیت تحصیلی دانش آموزان عضو شورای دانش آموزی در هر سه نوع مدارس، از طریق پرونده های تحصیلی و همچنین نتایج ارزشیابی های مستمر بیانگر آن است دانش آموزان مذکور از وضعیت تحصیلی عالی برخوردار بودند و ضمن داشتن معدل ۲۰، در طول دوران تحصیل نیز از شرایط و عملکرد تحصیلی عالی داشتند. همچنین دانش آموزان داوطلب



عضویت در شورای دانش آموزی که به عنوان عضو اصلی انتخاب نشدند نیز دارای معدل خوبی بودند ولی نسبت به اعضای اصلی منتخب، در سطح پایین تر از نظر عملکرد تحصیلی قرار داشتند. به عبارتی داشتن عملکرد مطلوب تحصیلی هم در انگیزه مشارکت و تمایل به عضویت تاثیرگذار بوده است و هم برای انتخاب کنندگان به عنوان یک معیار در انتخاب اعضای شورای دانش آموزی مدرسه عمل کرده است.

سطح سواد والدین

والدین دانش آموزان مدارس دولتی از نظر سطح سواد، دارای مدرک سیکل و دیپلم و والدین دانش آموزان مدارس شاهد، دارای سطح سواد فوق دیپلم و لیسانس و والدین دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی، بیشتر دارای مدرک لیسانس و بالاتر بودند. دلایل بدست آمدن نتیجه ی مذکور را می توان چنین بیان کرد که بالا بودن سطح سواد والدین باعث بالا رفتن آگاهی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده و این امر موجب آشنایی هر چه بیشتر والدین با تشکلهای موجود در مدارس می شود که به تبع آن فرزندان خود را نسبت به عضویت در این تشکل ترغیب و تشویق می نمایند.

وضعیت اقتصادی والدین

از نظر وضعیت اقتصادی والدین دانش آموزان مدارس دولتی، در سطح پایین جامعه قرار داشتند. و والدین دانش آموزان مدارس شاهد در سطح متوسط به بالا و والدین دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی از نظر وضعیت اقتصادی در سطح بالایی قرار داشتند. در این ارتباط چون بر اساس بخشنامه های ویژه ثبت نام مدارس، آموزشگاهها موظف به ثبت نام از دانش آموزان در محدوده ی جغرافیایی خود می باشند و معمولاً خانواده ها در محدوده ی جغرافیایی خاص از نظر اقتصادی تقریباً در یک سطح قرار دارند لذا بدست آمدن نتیجه مذکور طبیعی به نظر می رسد و این نتیجه با آنچه شریعتمداری (۱۳۶۴) در عوامل موثر در عضویت افراد در گروهها عنوان می کند همخوانی دارد؛ بدین معنی که افرادی که از لحاظ وضع اقتصادی و اجتماعی با هم نزدیک هستند معمولاً در یک گروه شرکت می کنند.

از نظر مسکن

اکثر خانواده های دانش آموزان مدارس دولتی، شاهد، غیرانتفاعی دارای مسکن شخصی بودند و تعداد بسیار کم دارای مسکن استیجاری بودند که این تعداد عمدتاً از خانواده های دانش آموزان مدارس دولتی بودند.

شغل والدین

والدین دانش آموزان منتخب شورای دانش آموزی مدارس دولتی، دارای مشاغل آزاد مثل مغازه داری، راننده تاکسی و والدین دانش آموزان منتخب شورای دانش آموزی مدارس شاهد، دارای مشاغل دولتی، مثل استاد دانشگاه، کارمند ادارات و والدین دانش آموزان منتخب شورای دانش آموزی مدارس غیر انتفاعی، دارای مشاغل دولتی، مثل رییس بانک، استاد دانشگاه و مشاغل آزاد مثل شرکت خصوصی بودند.

تعداد افراد خانواده

بار تکفل سرپرست خانواده و ترتیب تولد در مدارس مورد مطالعه متفاوت می باشد؛ به طوری که خانواده های دانش آموزان



منتخب شورای دانش آموزی در مدارس عادی دولتی اکثراً دارای ۳ الی ۵ فرزند، مدارس دولتی شاهد و مدارس غیر انتفاعی، دارای ۲ فرزند بودند. به همین ترتیب در مدارس دولتی، افراد عضو شورای دانش آموزی بیشتر بچه ی سوم و یا چهارم خانواده، در مدارس دولتی شاهد، اکثراً بچه ی دوم خانواده، و در مدارس غیر انتفاعی، افراد منتخب شورای دانش آموزی بیشتر بچه اول و یادوم خانواده بودند. این موضوع می تواند در میزان احساس مسئولیت خانواده ها، پیگیری آنها در مورد مسایل مدرسه و همچنین وقت گذاری آنها در مدرسه تاثیرگذار باشد.

پیگیری والدین نسبت به وضعیت تحصیلی فرزندان

در مدارس دولتی، به دلیل مشغله زیاد والدین و تعداد فرزندان خانواده، پیگیری والدین بسیار در سطح پایینی قرار داشت. در مدارس دولتی شاهد، پیگیری والدین نسبت به وضعیت تحصیلی فرزندان در سطح خوب و در مدارس غیر انتفاعی، پیگیری والدین در سطح بسیار خوب ارزیابی شد. ضمناً بیشتر مراجعات و پیگیریها در مدارس دولتی شاهد و غیر انتفاعی توسط مادران صورت می گرفت.

نتیجه گیری

سعی کنیم در مواردی به فرزندان و یا دانش آموزان، در حدود توانایی آنان مسئولیت بدهیم. در خانه کاری چون مراقبت از برادر و خواهر خردسال را به کودکان بسپاریم، مسئولیت دانه دادن به مرغ های خانگی و یا آب دادن به گلدان ها را از او بخواهیم. انجام یک کار خانوادگی و یا یک مسئولیت دیگر را از او طلب کنیم و همیشه در هر شرایطی، باید به آنها کمک کرد تا مسئولیت رفتار خود را به عهده بگیرند. مسئولیت پذیری آدمی را به تحرک و فعالیت وامی دارد. به جای کمرویی و تزلزل، روح امید و نشاط را تقویت می کند و در نتیجه روحیه اعتماد و اتکا به نفس آنان فزون تر خواهد شد. در دادن مسئولیت به کودکان باید به آمستگی پیش برویم و هرگز زودتر از موعد، بار سنگین و اضافی بر دوش کودکان نگذاریم و به تدریج و همزمان با رشد و بلوغ کودک به او مسئولیت های سنگین تری در زمینه انجام کارها در خانه و مدرسه محول کنیم.

پیشنهادها

- فراهم کردن زمینه مشارکت بیشتر دانش آموزان و ترغیب آنان به مشارکت در فعالیتهای مدرسه.
- حمایت عملی بیشتر از طرف ادارات آموزش و پرورش.
- تنظیم روش کارمدریان درشوراها بر مبنای گفتگو و بهره گیری از آراء و عقاید دانش آموزان، مربیان و اولیاء.
- توجه به نقش اطلاع رسانی مفید و مناسب پیرامون فعالیت های مبتنی بر مشارکت دانش آموزان در مدرسه.
- تشکیل کلاسهای آموزش اولیای خانه و مدرسه در زمینه چگونگی هدایت دانش آموزان در امر مشارکت.
- مشارکت جو کردن فضای تربیتی خانواده.
- ترغیب اولیای دانش آموزان برای دخالت در امور آموزشگاه و دادن کمک مالی به مدارس و دخالت در سرنوشت فرزندانشان.

منابع:



- پیران، پرویز (۱۳۸۴). شورا در ایران: نگاهی آسیب شناسانه. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۵، ص ۷۴.
- جعفری مقدم، سعید. فانی، علی اصغر (۱۳۸۱). طراحی نظام مدیریت مدرسه محور در ایران، مدرس، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱-۱۴.
- ذکاوتی، علی (۱۳۷۸). نقش تعلیم و تربیت نسل جدید در تحقق جامعه مدنی. مجله فرهنگ عمومی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۲۳، ص ۶۵.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۴). روانشناسی تربیتی. چاپ ششم. اصفهان: انتشارات مشعل.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۸). روانشناسی رشد. چاپ هشتم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فتحی آذر، اسکندر (۱۳۷۳). رشد مسئولیت پذیری اجتماعی در نوجوانان و نقش آن در یادگیری. مجموعه مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت نوجوانان و جوانان، تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی.
- فرهمندیان، محمد. اسماعیلی، مجید. حاج آقالو، عباس (۱۳۸۳). راهنمای تشکیل شورای دانش آموزی مجامع شورا و شیوه ثبت فعالیت ها، گروه برنامه ریزی شورای دانش آموزی دوره ی ابتدایی، چاپ اول، تهران: انتشارات آزمون نوین.
- کامکار، مهدیس (۱۳۸۲). مروری بر دیدگاهها، باورها و عملکرد یونیسف در مورد "مشارکت کودکان". فسانامه رفاه اجتماعی. شماره ۲ (۷). صص ۳۱-۴۵.
- نیکنامی، مصطفی (۱۳۸۳). مدیریت مدرسه محور، مفاهیم، نظریه ها، راهبردها و چالش ها. مبانی چالش ها و الزامات مدیریت مبتنی بر مدرسه در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت. .

Archive of SID